

26 words per day

Day 26

Word	Meaning
A chieve	دست یافتن، انجام دادن، رسیدن
B ottle	بطری، شیشه، در بطری ریختن
C lever	زیرک، ناقل، باهوش، زرنگ
D ie	مردن، جان دادن، فوت کردن
E nemy	دشمن، عدو، خصم، دشمن کردن
F avor	توجه، مرحمت، طرفداری کردن
G rand	والا، عالی، با شکوه، مجلل، باوقار
H ero	قهرمان، دلاور، پهلوان
I mpress	تحت تاثیر قرار دادن، باقی گذاردن
J uly	ماه ژوئیه
K ilogram	کیلوگرم، هزار گرم
L aboratory	آزمایشگاه، لابراتوار
M aterial	جنس، ماده، مصالح
N oise	سر و صدا، شلوغ، اختلال، پارازیت
O ften	بارها، خیلی اوقات، غالبا
P ass	گذشتن، عبور کردن، قبول شدن
Q	
R each	رسیددن به، نائل شدن به، حصول
S creen	پرده سینما، صفحه تلویزیون
T heme	موضوع، مطلب، زمینه، مقاله
U pward	به طرف بالا، رو به بالا، رو به ترقی
V aried	متنوع، گوناگون، رنگارنگ
W eather	هوا، تغییر فصل، در معرض هوا گذاشتن
X	
Y	
Z	